

هماهنگی رنگ و نقش در تزئینات مسجد جامع یزد؛ زیلو و سفال میبد

چکیده

استان یزد که سابقه‌ای طولانی در فرهنگ سرزمین ایران دارد، آثاری هنری ارزشمندی از گروه ساختار و تزئینات معماری تا صنایع دستی و هنرهای بومی خود به همراه داشته که هر کدام دارای بار فرهنگی، هنری و حتی اقتصادی ویژه‌ای نیز بوده‌اند. هماهنگی میان اجزاء تشکیل‌دهنده بنا به‌ویژه در تزئینات معماری و تأثیرات مختلف نقوش کهن و باستانی که در عرصه‌های مختلف هنری بر روی یکدیگر گذاشته‌اند، امروزه آثاری ارزشمند و ماندگار را در عرصه فرهنگ و هنر این منطقه بر جای گذاشته است. نقش‌ها و رنگ‌های زیبا و دل‌انگیزی که می‌توان آن‌ها را از سطح کاشی‌های لاجوردین و سفید مسجد جامع یزد تا سطح زیلوهای خنک و در نهایت سفالینه‌های منقوش آبی و سفید میبد مشاهده کرد. بررسی‌های انجام‌شده بر روی رنگ و نقش این تزئینات، نشان از هماهنگی میان آن‌ها و هنرمندان این عرصه‌ها، با پیشینه‌ی کهن از هر کدام است، به‌طوری‌که تفاوت تکنیک‌های ساختاری کاشی‌کاری، زیلوبافی و نقاشی روی سفالینه‌ها، باعث گردیده تا نقش‌ها در هر بخش با ویژگی ساختاری آن رشته هنری نیز هماهنگ شده و نقشی منحصر را آفریده است. این مقاله سعی دارد تا با بررسی نمونه‌های مشابه از هر سه رشته هنری (کاشیکاری، زیلوبافی و نقاشی سفال)، به بررسی چگونگی این هماهنگی و تأثیر نقش‌ها بر یکدیگر به پردازد.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی و شناسایی نقش‌ها و رنگ‌های مورد استفاده در تزئینات کاشی‌کاری مسجد جامع، زیلو و سفال میبد.
۲. چگونگی هماهنگی و تأثیرپذیری رنگ و نقش در تزئینات مسجد جامع یزد.

سؤالات پژوهش:

۱. چه نقش و رنگ‌هایی بیشتر در تزئینات آثار هنری (کاشی‌کاری مسجد، زیلو و سفال) منطقه یزد، مورد استفاده قرار گرفته است؟
۲. باتوجه به تفاوت در تکنیک‌های اجرایی میان کاشی‌کاری، زیلوبافی و نقاشی روی سفال، آیا نقش‌ها و رنگ‌های به کاررفته در این هنرها، با یکدیگر مشابه و همسو بوده‌اند؟

کلیدواژه‌ها: مسجد جامع یزد، زیلو، سفال میبد، تزئینات.

مقدمه

استان یزد، سومین استان به لحاظ وسعت در کشور می‌باشد در قسمت مرکزی فلات مرکزی ایران واقع شده است. محدوده استان یزد جزئی از فلات مرکزی و کویرهای ایران جای گرفته‌اند. بخش بزرگی از مساحت محدوده استان را قسمت‌هایی از کویرهای مختلف پوشانده است. در فلات مرکزی که بزرگ‌ترین منطقه ایران است و اطراف آن را ناهمواری‌های مرتفعی محصور کرده، صرف نظر از حاشیه متصل به ارتفاعات و برخی از حوزه‌های مستقل داخلی، شرایط آب و هوایی، گرم و خشک است و از جمله مشخصه‌های آن، زمستان سخت و سرد و تابستان‌های گرم و خشک است. رطوبت کم و نبودن ابر در آسمان باعث می‌شود، دامنه تغییرات دمای هوا در این مناطق بسیار زیاد شود (سفلی، ۱۳۸۲: ۱۳۶). مرکز استان، یزد، شهری باستانی و با فرهنگ است، که سنت‌ها در آن از شهرهای دیگر محفوظ‌تر مانده و سبک و ترکیب شهر کمتر دست خورده است. یزد به استناد کتب تاریخی و نیز وضع شهرسازی آن از زمان امرای دیلمی تا عصر صفوی، چند بار وسعت یافته و روی آبادانی دیده است (افشار، ۱۳۴۷: ۱۷). شهر دیگر استان، میبد نیز در مابین حوزه ممتد و بسته‌ای از کاشان تا کرمان در امتداد جهت شمال غربی - جنوب شرقی کشیده شده، قرار گرفته و جزئی از دشت یزد - اردکان می‌باشد.

بیشترین فعالیت کشاورزی و صنایع استان نیز در این دشت متمرکز شده است. در صنایع دستی میبد، زیلو به دلیل اهمیت اقتصادی قابل توجه و همچنین نقشه‌های گوناگون خود، یکی از عرصه‌های نمایش ذوق و هنر بوده است. هرچند بیشتر این نگاره‌ها، نقش‌های شناخته شده‌ای هستند که ریشه در فرهنگ باستانی دارند، اما بسیاری از آن‌ها همراه و همگام با تحولات اجتماعی رنگ عوض کرده و حامل پیام هنری عصر خود شده‌اند. برخی از این نقوش با فرهنگ اسلامی درآمیخته، غنای بیشتری یافته‌اند. از آنجایی که کارگاه‌های زیلوبافی یک کارگاه خانگی بوده، یکی از عناصر کالبدی خانه‌ها به شمار می‌رفت (اسفنجاری کناری، ۱۳۸۵: ۱۶-۱۷ و ۱۳۹). همچنین به دلیل وجود ترکیبات خاک رُس در این منطقه، از گذشته‌های دور، سفالگری در این استان، به‌ویژه شهر میبد، به عنوان یکی از صنایع دستی شاخص، از رونق فراوانی برخوردار بوده است. صنایع دستی را می‌توان نقطه تبلور فرهنگ یک منطقه محسوب کرد که ارتباط مستقیمی با اقلیم و نحوه زندگی، معیشت و تاریخ مردم یک منطقه و قوم دارد. با توجه به این مباحث، تزئینات به‌کاررفته در آثار سنتی نیز متأثر از فرهنگ آن منطقه خواهد بود. هماهنگی میان رنگ و نقش در آثار فرهنگ و سنتی این منطقه، مقوله‌ایست که در این مقاله به پژوهش حول آن پرداخته و نمونه‌هایی از تشابه میان نقش‌ها و رنگ‌های استفاده شده در کاشیکاری مسجد جامع یزد، زیلوبافی و سفال شهر میبد، مورد بررسی و تحلیل قرار داده خواهد شد. بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است لذا این پژوهش بر آن است تا با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای و مشاهدانی به بررسی این مسئله بپردازد.

نتیجه‌گیری

دو عنصر نقش و رنگ، تأثیر شگرفی در انعکاس و انتقال مفاهیم مختلف در آثار هنری دارند؛ مفاهیمی که هر کدام ریشه در باورهای کهن سرزمین ایران داشته و طی دوره‌ها و زمان‌ها هماهنگی ویژه‌ای در ترکیب و تزیین هنرهای سنتی و بومی برقرار نموده است. با بررسی رنگ و نقش به کاررفته در کاشی‌کاری مسجد جامع یزد، زیلوبافی و سفالگری شهر میبد، نشان می‌دهد که، بسیاری از نقش‌ها با پیشینه‌ای هر چند کهن توانسته‌اند در طی دوره‌های مختلف هنری هم‌راستا با رشد و گسترش در شاخه خود، با نحوه اجرای آن‌ها بر روی آثار مختلف هنری نیز هماهنگ شده و در کنار محدودیت‌هایی که در تکنیک اجرایی آن‌ها وجود دارد، ریشه اصلی خود را همچنان حفظ نمایند؛ از جمله این گروه، نقوش اسلیمی و گل‌های ختایی است که در تزیینات هر سه رشته با شاخص‌هایی منحصر، به اجرا درآمده‌اند. گروهی از نقش‌ها نیز تأثیر مستقیمی از محیط اجرای خود می‌گیرند و به نوعی انعکاس آثار دیگری از منطقه در هنرهای سنتی و بومی همان منطقه هستند؛ از این دسته می‌توان به نقوش شکسته‌ای که در سطح وسیعی از کاشی‌کاری مسجد جامع، زیلوبافی و سفال میبد مورد استفاده قرار گرفته، اشاره نمود. رنگ‌ها نیز تأثیر مستقیمی از اقلیم و بافت محیطی و باورهای کهن، بر روی آثار هنری دارند. رنگ سفید و آبی که به طور شاخص در سطح کاشی‌کاری مسجد جامع، زیلوبافی و سفالگری میبد، مشاهده می‌شود، گویای باورهایی کهن از انعکاس رنگ سفید به عنوان رنگی خالص و پاک و متأثر از رنگ خورشید که در سطح وسیع کویر بر زمین می‌تابد و رنگ آبی انعکاسی از آسمان زلال کویر بر سطح زیلو و کاشی می‌باشد، تا از این طریق روح خسته انسان‌ها را در محیطی با اقلیم گرم و خشک، به آرامش و خنکای بهاری برساند.

منابع

کتاب‌ها

- اردلان، نادر و بختیار، لاله. (۱۳۸۰). حس وحدت: سنت عرفانی در معماری ایرانی، ترجمه: حمیدشاهرخ اصفهانی، تهران: نشر خاک.
- اسفنجاری‌کناری، عیسی. (۱۳۸۵). میبد شهری که هست، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
- افشار، ایرج. (۱۳۴۷). یادگارهای یزد: معرفی ابنیه و آثار باستانی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- حاجی‌قاسمی، کامبیز. (۱۳۸۳). گنج‌نامه: مساجد جامع (بخش دوم) تهران: دانشگاه شهیدبهشتی و انتشارات روزنه.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۳۸). لغت‌نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ژوله، تورج. (۱۳۸۱). پژوهشی در فرش ایران، تهران: یساولی.
- سبحانی، جعفر. (۱۳۷۰). فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، تهران: انتشارات طهوری.
- ضیاءپور، جلیل. (۱۳۵۳). نقوش زینتی در ایران زمین از ابتدا تا دوران ماد، تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- سفلائی، فرزانه. (۱۳۸۲). پایداری عناصر اقلیمی در معماری سنتی ایران، مجموعه مقالات سومین همایش بهینه‌سازی مصرف سوخت در ساختمان، تهران: سازمان بهینه‌سازی مصرف سوخت کشور.
- عباس، سیدجان و شاکرسلیمان، عامر. (۱۳۸۳). هم‌آراستگی در نگاره‌های اسلامی، ترجمه: آمنه آقاریع، مشهد: به‌نشر.

علیمحمدی اردکانی، جواد. (۱۳۸۶). پژوهشی در زیلوی یزد، تهران: فرهنگستان هنر.
فناپی، زهرا. (۱۳۸۷). سیری در صنایع دستی ایران، نجفآباد: دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجفآباد.
قائینی، فرزانه. (۱۳۸۳). موزه آبگینه و سفالینه‌های ایران، تهران، سازمان میراث فرهنگی: انتشارات و تولیدات فرهنگی.

مصدقیان، وحیده. (۱۳۸۴). نقش و رنگ در مسجد گوهرشاد در تهران، تهران: کتاب آبان.
وایه، گاستون. (۱۳۶۳). هنر اسلامی در سده‌های نخستین، ترجمه: رحمان ساروجی، گیلان: انتشارات گیلان.
ویلسون، اوا. (۱۳۸۰). طرح‌های اسلامی، ترجمه: محمدرضا ریاضی، تهران: سمت.

مقالات

اسفندیاری، آیه‌نا، چلیپا. (۱۳۸۸). رمز انسان کامل، فصلنامه فرهنگ و هنر جهاد دانشگاهی، تهران، شماره ۱، ۲۰-۵.
افشارمهجر، کامران. (۱۳۷۹). نمادگرایی در هنرهای سنتی، نشریه هنرنامه، تهران، ش ۶، ۶۳-۵۰.
حسینی، هاشم. (۱۳۹۰). کاربرد تزئینی و مفهومی نقش شمسه در مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، دوفصلنامه مطالعات هنر اسلامی، تهران، ش ۱۴، ۲۴-۷.
خزایی، محمد. (۱۳۸۱). نمادگرایی در هنر اسلامی، تأویل نمادین نقش در هنر ایران، مجموعه مقالات اولین همایش هنر اسلامی، مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، تهران، ۱۴۲-۱۲۵.
راسخ‌تلخداش، رقیه. (۱۳۸۷). تجلی تخیل مقدس در نقش‌مایه‌های سفال و سرامیک دوران اسلامی، فصلنامه نقش‌مایه، ش ۲، ۷۱-۷۰.
روح‌فر، زهره. (۱۳۸۸). تجزیه لعاب سفید و آبی براساس آزمایش پیکسی، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، ش ۳۲، نشر دانشگاهی، تهران، ۵۰-۴۸.
شایسته‌فر، مهناز و شکرپور، شهریار. (۱۳۸۸). مقایسه طرح و نقش زیلوبافی میبد و مسجد جامع یزد، دوفصلنامه مطالعات هنر اسلامی، ش ۱۱، مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، تهران، ۴۲-۲۵.
محبی، حمیدرضا. (۱۳۸۴). محمدتقی آشوری، نماد و نشانه در نقش‌پردازی زیلوهای تاریخی طرح محرابی (صف)، فصلنامه گلجام، شماره ۱، تهران، ۶۰-۴۲.
محمدی، رامونا. (۱۳۸۷). نقش خورشید در هنرهای اسلامی، دوفصلنامه نقش‌مایه، ش ۲، تهران، ۴۱-۵۱.

پایان‌نامه‌ها

توکلی، حمید. (۱۳۷۸). رنگ در تصویر سینما، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد پژوهش هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
چیتی، منصور. (۱۳۷۹). بررسی نقش‌مایه‌های گرافیکی کتیبه‌های مسجد جامع یزد از دوره سلجوقیان تا تیموریان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته گرافیک، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
حیدری، عصمت. (۱۳۸۲). نقش رنگ در تزئینات معماری اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
همپارتیان، تیرداد. (۱۳۸۲). نقوش انسانی، حیوانی و گیاهی سفالینه‌های نیشابور (قرون چهارم و پنجم هجری قمری)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس.

منابع لاتین

Feherevari, G. (۱۹۷۳). Pottery of the Safavid and Qajar periods in, (Islamic pottery, a comprehensive study Based on the Barlow Collection, faber & faber, London.

سایت‌ها

http://www.yazdchto.ir/SC.php?type=component_sections&id=۶۱&t۲=DT&sid=۴۹.

<http://www.tebyan.net/index.aspx?pid=۹۳۴&articleID=۶۳۷۳۴۸>.

www.sadmu.com/menu۱/Description.a&px?id=۱۰۲۵